



RESEARCH ARTICLE

Narrative Literature Review of Policy Design in the Public Policy; A Theoretical Perspective

Hannaneh Akbari Nouri^{1*}, Hamid Reza Malek Mohammadi²

1. PhD student of Public Policy, University of Tehran, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: hanane_akbari88@ut.ac.ir

2. Professor of Public Policy, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: malek@ut.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97821>

Received: 2 November 2023

Accepted: 26 February 2024

ABSTRACT

Policy design is one of the latest theoretical frameworks for understanding the formation process of policy alternatives which has been formed as a separate field of study in public policy in recent years. Despite little attention to this field of study, various theories and frameworks have been presented in the heart of this policy field to understand the policy-making process, and each of these theories and theoretical frameworks will bring useful insights for policy researchers and policy analysts. In this article, through literature review method, the main approaches, concepts and theoretical assumptions of policy design have been presented. Our study suggests that **instrumentation** and **policy design and social constructs** are two dominant approaches. We can mention other approaches such as the relation between design and governance model, Wicked problems, behavioral insights in design, policy advisory systems, Digital transformations and agile design in our findings.

Keywords: Policy Analysis, Narrative Literature Review, Policy Design, Policy Tools and Instruments, Social Constructs.

Citation: Akbari Nouri, Hannaneh; Malek mohammadi, Hamid reza (2024) Narrative Literature Review of Policy Design in the Public Policy: A Theoretical Perspective *Iranian Journal of Public Policy*, 10 (1), 58-76.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97821>

Published by University of Tehran.



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله پژوهشی

مرور روایی ادبیات طراحی سیاست در سیاستگذاری عمومی؛ چشم‌اندازی نظری

حنانه اکبری نوری^{۱*}، حمیدرضا ملک محمدی^۲

۱. دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

* رایانامه نویسنده مسئول: hanane_akbari88@ut.ac.ir

۲. استناد سیاستگذاری عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

رایانامه: malek@ut.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97821>

تاریخ دریافت: ۱۱ آبان ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۷ اسفند ۱۴۰۲

چکیده

طراحی سیاست یکی از چارچوب‌های نظری متأخر در فهم فرآیند شکل‌گیری راه‌حل‌های سیاستی برای پاسخ به مسائل است. طراحی سیاست در سال‌های اخیر به عنوان زمینه مطالعاتی مجزایی در کنار زمینه‌های نظیر اجراپذیری در مطالعات سیاستگذاری عمومی شکل گرفته است. به رغم توجه اندک به این زمینه مطالعاتی، نظریات و چارچوب‌های مختلفی در این حوزه برای فهم فرآیند سیاستگذاری ارائه شده است که هر یک بینش‌های مفیدی را برای سیاست‌پژوهان و تحلیل‌گران سیاست به همراه خواهد داشت. در این مقاله سعی شده است تا با بهره‌گیری از روش مرور روایی ادبیات، چشم‌اندازی جامع از رویکردهای نظری متفاوت طراحی سیاست، اصول، مبانی و مفروضات آنان ارائه شود. بر طبق یافته‌ها، دو رویکرد غالب در طراحی سیاست شامل ابزارسازی یا انتخاب ابزار و برساخت‌گرایی اجتماعی است. رویکردهای ارتباط طراحی با مدل حکمرانی، مسائل بگرنج و طراحی، علوم رفتاری، نظام مشاوره سیاستی، تحولات دیجیتال و طراحی چابک نیز از دیگر رویکردهای نظری این زمینه مطالعاتی است.

واژگان کلیدی: تحلیل سیاست، مرور روایی ادبیات، طراحی سیاست، ابزار سیاستی، برساخت اجتماعی.

استناد: اکبری نوری، حنانه؛ ملک محمدی، حمیدرضا (۱۴۰۳). مرور روایی ادبیات طراحی سیاست در سیاستگذاری عمومی؛ چشم‌اندازی نظری. فصلنامه

سیاستگذاری عمومی، ۱۰ (۱)، ۷۶-۵۸.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2024.97821>



ناشر: دانشگاه تهران.

مقدمه

چارچوب تحلیلی طراحی سیاست به دنبال کشف نقشه ساخت^۱ و معماری سیاست و همین طور فهمی جامع از فرآیند شکل گیری گزینه های سیاستی است. مفهوم «طراحی» هم به فرآیند گزینش ابزارها و اجرای سیاست و هم صورت بندی و تدوین سیاست^۲ مرتبط است. در سال های اخیر طراحی سیاست به عنوان زمینه مطالعاتی مجزایی در حوزه تحقیقات سیاستگذاری عمومی شکل گرفته است (Smith & Larimer, 2018). عموماً فرآیند تدوین بدیل های سیاستی^۳ و انتخاب پاسخ نهایی برای حل مساله سیاستی از نظرها پنهان و به عبارتی درون جعبه سیاه سیاستگذاری صورت می گیرد. به همین دلیل چنین مطالعاتی تا حد بسیار زیادی از جریان اصلی مطالعات سیاستگذاری عمومی نظیر ارزیابی، تحلیل و اجرا پژوهشی دور مانده است و این گونه به نظر می رسد که ادبیات غالب سیاستگذاری پتانسیل طراحی سیاست را در حل مسائل تا حد بسیاری نادیده گرفته است (Aguilar et al., 2023). با این وجود در دهه های اخیر این رویکرد به مثابه حوزه فرعی در تحلیل سیاست مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد تحلیلی طراحی سیاست با کشف و تحلیل محتوای سیاست و فرآیند طراحی آن، به بهبود نتایج و فرآیند سیاستگذاری کمک شایانی خواهد کرد. فهم فرآیند طراحی، گامی مهم و اساسی برای ارزیابی، تحلیل، درک علل موفقیت و شکست سیاستها است و در نهایت می تواند زمینه ساز ارائه راهکارهایی هنجاری برای تدوین و طراحی سیاست های کارآمد و اثربخش بشود. رویکرد طراحی سیاست تلاش کرده است تا با فاصله گرفتن از نواقص مدل سنتی چرخه سیاستگذاری به فهمی جامع تر از فرآیند تدوین و طراحی نائل شود.

چیستی طراحی سیاست

طراحی سیاست از منظر توماس بیرکلند، به فرآیندی اشاره دارد که سیاستها هم از طریق تحلیل های فنی و هم درون فرآیندهای سیاسی طراحی می شوند (Birkland, 2015). از دیدگاه هاوالت یکی از متخصصان مطالعات طراحی، طراحی سیاست به معنای تلاش هدفمند دولتها برای برقراری ارتباط میان ابزارها^۴ و تجهیزات^۵ سیاستی، با اهدافی است که خواهان تحقق آن هستند. در این معنا، طراحی سیاست شکل خاصی از صورت بندی و تدوین سیاست است (Howlett & Mukherjee, 2014). از منظر فونتن و پیترز، طراحی سیاست تلاشی در جهت ادغام ادراک های متفاوت از مساله سیاستی با تصورات مختلف از ابزارهای سیاستی مورد استفاده و ارزش های متفاوت دولتها است. ارزش های متفاوتی که مبنای ارزیابی دولتها از خروجی های مورد انتظار خود می شود (Peters & Fontaine, 2022). پژوهشگران طراحی سیاست مفروض هدفمندی سیاست را بی درنگ می پذیرند، اما چنین استدلال می کنند که محتوای سیاستگذاری، پیچیدگی و ظرافت بیشتری از مفروض ابزاری عقل گرایان دارد (Smith & Larimer, 2018). از این رو مطالعات جدید طراحی نه تنها به شناخت عناصر ابزاری می پردازد بلکه عناصر دیگری چون برساخت های اجتماعی^۶، منطقها^۷ و مفروضه های^۸ اساسی موجود در طرح سیاست را مورد بررسی قرار می دهد. به رغم پیچیدگی و مبهم بودن مفهوم طراحی سیاست، هدف و انتظارات از این زمینه مطالعاتی همواره نزد متخصصان این حوزه روشن بوده است. مطالعه طراحی سیاست به دنبال بهبود فرآیند سیاستگذاری و خروجی آن است (Howlett & Lejano, 2013). طراحی سیاست کاملاً جهت گیری زمینه مند دارد، بدین معنا که درون بافت و زمینه نهادی و تاریخی مشخصی اتفاق می افتد. یکی از

1. Blueprint
2. Policy Formulation
3. Policy Alternatives
4. Tools
5. Instrument
6. Social Constructions
7. Logics
8. Assumptions

جذابیت‌های مطالعات طراحی سیاست، توضیحی است که درباره دارندگان و نابرخورداران از قدرت سیاسی ارائه می‌دهد (Smith & Larimer, 2018).

تاریخچه مطالعات طراحی سیاست در سیاست‌گذاری عمومی

ریشه مطالعات اولیه طراحی سیاست را باید در نظرات پیشگامان علم سیاست‌گذاری عمومی جست‌وجو کرد که به دنبال ایده ارتقای سیاست‌ها از طریق کاربرد نظام‌مند دانش در فعالیت‌های مرتبط با تدوین، طراحی و صورت‌بندی سیاست بوده‌اند (Howlett et al., 2015). شاید حتی بتوان گفت ریشه اولیه مطالعات طراحی سیاست در سیاست‌گذاری عمومی به کارهای هارولد لاسول^۱ باز می‌گردد. به یک معنا لاسول اولین مدل فرآیند تصمیم‌گیری را برای سیاست‌گذاری (۱۹۵۱) توسعه و نشان داد که چگونه این مدل می‌تواند انتخاب سیاست‌ها را توضیح دهد (Peters & Rava, 2017). بخشی از محققان دهه ۱۹۷۰ بر این باور بودند که تصمیمات سیاستی ذاتاً محصول فرآیندهای بسیار شانس و آکنده از عدم قطعیت است که در نتیجه آن درجه بالایی از تصمیمات غیرعقلانی اتخاذ می‌شود. با این وجود در ادامه مسیر تردیدهایی نسبت به این گرایش پدیدار شد که لزوماً سیاست‌ها نتیجه فرآیندهای تصادفی و غیرعقلانی نیست و می‌توان مفهومی به اسم طراحی را متصور شد (Howlett et al., 2015). در این دوره، طراحی سیاست هم به عنوان صورت‌بندی سیاست و هم به معنای محتوای سیاست در نظر گرفته شده است. هرچند همواره تمایز میان این دو مفهوم‌سازی شفاف نبوده است. مطالعات طراحی سیاست به یک معنا پاسخی به مطالعات اجرا در دهه ۱۹۷۰ بود که نظام‌های بوروکراتیک را مسئول شکست سیاست‌ها می‌دانستند. نظریه‌پردازان طراحی سیاست بر این باور بودند که محققان برای تحلیل شکست و موفقیت سیاست باید یک گام به عقب بردارند چرا که فرآیند اصلی صورت‌بندی سیاست نقش مهمی در خروجی‌ها و نتایج اجرای سیاست ایفا می‌کند (Frank et al., 2007). اولین کارهای انجام شده در این دهه مرتبط با شناسایی ابزارهای سیاستی و طبقه‌بندی این ابزارها است. کانادایی‌ها در هر دو حوزه سرآمد این مطالعات هستند و کارهای شناخته‌شده‌ای را بر روی ابزارهای سیاستی و هم‌چنین اخیراً در خصوص طراحی سیاست انجام داده‌اند (Michael Howlett & Ishani Mukherjee, 2017). در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی نیز ادبیات گسترده‌ای با هدف فهم طراحی هم به عنوان فرآیند و هم به عنوان خروجی سیاست‌گذاری توسط شخصیت‌های برجسته‌ای در ایالات متحده، کانادا، اروپا و استرالیا نظیر لستر سالامون، پاتریشیا اینگراهام، مالکوم گوگین، جان درایزک، هانس برسرز، هلن اینگرام، آنا اشنایدر، جی‌بی دورن، استفان لیندر، گای پیترز، رنه ماینتر، کریستوفر هود، یوجین بارداخ، اورت ودونگ، پیتر می، فرانس ون نیسپن و مایکل تریبلاک در مورد صورت‌بندی سیاست، انتخاب ابزارهای سیاستی و طراحی خروجی‌های سیاستی تولید شده است (Howlett & Lejano, 2013). در سال ۱۹۹۷ با انتشار کتاب «طراحی سیاست برای دموکراسی»، جریانی شکل گرفت که به سردمداری آنا اشنایدر و هلن اینگرام به دنبال استفاده از ظرفیت مطالعات طراحی برای بهبود دموکراسی بودند در اواخر دهه ۹۰ و اوایل ۲۰۰۰، نیز رویکردهای رفتاری و برساخت‌گرایی در توسعه مطالعات طراحی سیاست نقشی جدی ایفا کردند، این نظریات فهمی عمیق‌تر از مؤلفه‌های رفتاری و اجتماعی در مطالعه طراحی سیاست به دست داد (Howlett et al., 2015). از سویی در دل ادبیات ابزارگرایی، موج مطالعاتی جدیدی بر روی مطالعه ابزارها و اهداف چندگانه و به بیانی آمیخته‌ها و ترکیب‌های سیاستی شکل گرفت. غالب این ادبیات در تحقیقات مایکل هاوالت و در ادامه آن گای پیترز قابل مشاهده است (Ferretti et al., 2019). در دهه‌های اخیر نیز مطالعات جدید طراحی را می‌توان در آزمایشگاه‌های طراحی^۲ مشاهده کرد (Peters & Rava, 2017).

1. Harold Lasswell
2. Policy Lab

روش پژوهش

بنابراین پژوهش و مرتبط ساختن آن با دانش موجود، سنگ بنای فعالیت‌های پژوهشی دانشگاهی است (Snyder, 2019). مرور ادبیات نقشی مهم در دانش پژوهی و فهم دانش موجود در ارتباط با موضوعی مشخص ایفا می‌کند، چرا که علم در درجه نخست محصول انباشت دانش است. از دیدگاه وبستر و واتسن، مرور ادبیات پایه‌ای محکم برای پیشرفت دانش و تسهیل توسعه نظری است، این امر عرصه‌های تحقیق مازاد بر نیاز را می‌بندد و عرصه‌های نیازمند به تحقیق را کشف می‌کند (Ashtarian & Emami Meibodi, 2012). به منظور بررسی رویکردهای نظری گوناگون در مورد چارچوب تحلیلی طراحی سیاست، کتاب‌های نظری که در بخشی از آن یا در کلیت آن به مبانی نظری طراحی سیاست پرداخته شده است، احصاء گشته‌اند. دلیل انتخاب کتب و حذف مقالات برای این مرور ادبیات، بررسی موشکافانه و دقیق‌تری از گزاره‌ها، مفروضات و رویکردهای نظری طراحی سیاست است. انتخاب کتاب‌ها به منظور روایتی جامع‌تر از مبانی، اصول و فرضیات نظریه‌های مختلف است. غالباً در کتاب، شرح و بسط نظری بیشتری ارائه می‌شود. از این رو در این مرور روایی صرفاً کتاب‌های مرجع طراحی سیاست مورد بررسی قرار گرفته است. با روش مرور روایی ادبیات^۱، مهم‌ترین رویکردهای نظری، مبانی و مفروضات طراحی سیاست و کاربرد آن به مثابه چارچوبی تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفته است. به رغم نواقصی که مرور روایی به نسبت سایر انواع مرور ادبیات نظیر مرور سریع، محدوده و نظام‌مند دارد، با این وجود برای فهم رویکردها، مفروضات و دلالت‌های کاربردی مختلف از یک نظریه مشخص، روشی موثر و کارآمد است. با توجه به خلاء ادبیات نظری حوزه طراحی سیاست به زبان فارسی، این روش می‌تواند در قالب مقاله‌ای کوتاه، چشم‌اندازی جامع از رویکردهای نظری مختلف طراحی سیاست را پیش‌روی مخاطبان و علاقمندان قرار دهد. در روش مرور روایی، ادبیات منتشر شده در ارتباط با موضوع مورد نظر، به صورت گسترده شناسایی شده و پس از مطالعه و بررسی، یافته‌ها در قالبی روایت‌گونه ارائه می‌شوند (Grant & Booth, 2009). ابتدا کلیدواژه‌های Policy Design و Policy Formulation در چهار پایگاه GGoogle Scholar, Taylor & Francis, JSTOR و موتور جست‌وجوی گوگل مورد جست‌وجو قرار گرفتند. انتخاب این پایگاه‌ها به دلیل اهمیت آنان در حوزه انتشارات علوم انسانی و هم‌چنین دسترسی مستقیم به منابع آن بوده است. در جست‌وجوی اولیه کلیه عناوین مرتبطی که در قالب کتاب منتشر شده بودند، احصاء گشتند. جست‌وجو در پایگاه‌ها تا جایی ادامه پیدا می‌کرد که عناوین غیرمرتبط نمایش داده شود. همانطور که پیش از این عنوان شد هدف از این مرور ادبیات، مطالعه کتاب‌های نظری این حوزه است. از این جهت کتاب‌هایی در غربال اولیه انتخاب شدند که متمرکز بر نظریات طراحی سیاست بوده‌اند و نه طراحی سیاست در یک حوزه مشخص و بخشی نظیر طراحی سیاست شهری، آب، محیط زیست و سایر موارد. شاخص‌های احصاء منابع در جدول زیر شرح داده شده است.

جدول ۲. شاخص‌های انتخاب و حذف منابع

شاخص انتخاب	
زبان	انگلیسی
بازه زمانی	۱۹۷۰ تا ۲۰۲۳
نوع سند	کتاب
موضوع	علوم سیاسی، مدیریت، علوم اجتماعی
تمرکز کتاب یا بخشی از کتاب	مبانی و رویکردهای نظری مرتبط با تدوین و طراحی سیاست
شاخص حذف	
نوع سند	سایر اسناد
تمرکز کتاب یا بخشی از کتاب	تمرکز بر روی استفاده از چارچوب و رویکرد طراحی سیاست در یک حوزه مشخص سیاستی نظیر صنعت، محیط زیست و سایر موارد.

در پایگاه Google Scholar کلیه کتاب‌های مرتبط در جست‌وجوی اولیه با توجه به شاخص‌های ارائه شده در جدول انتخاب شدند. در پایگاه Taylor & Francis از قسمت نوع سند Book Review انتخاب و کلیه کتاب‌هایی که در این بخش مرتبط با طراحی سیاست بودند مورد بررسی قرار گرفتند. در پایگاه JSTOR نیز از قسمت Document type، Book chapter و Book انتخاب شده است. در موتور جست‌وجوی گوگل نیز تا حد امکان کتاب‌های مرتبط با طراحی سیاست به وسیله جست‌وجوی کلیدواژه‌های عنوان شده صورت گرفت. با توجه به جست‌وجوهای انجام شده در موتور جست‌وجوی گوگل، انتشارات مهم حوزه سیاستگذاری عمومی و به طور خاص طراحی سیاست شناسایی شد و در این پایگاه‌ها نیز کتاب‌های نظری این حوزه که عموماً مرتبط با نظریه‌های سیاستگذاری عمومی بودند و در یک بخش یا دو بخش کتاب به نظریات طراحی پرداخته‌اند نیز شناسایی شده و با مطالعه فهرست کتاب‌ها و احصاء این کتاب‌ها، عناوین دیگری نیز به مجموعه مورد مطالعه افزوده شدند. انتشارات‌هایی چون Oxford، Routledge، Sage، Edward Elgar و Oxford از این طریق مورد بررسی و جست‌وجو قرار گرفتند. در مجموع ۳۰ عنوان کتاب برای مطالعه انتخاب شدند که عناوین، سال انتشار و نحوه جست‌وجوی این کتاب‌ها در جدول زیر نمایش داده شده است. پس از مطالعه کامل فهرست این سی عنوان کتاب و خلاصه کردن آن‌ها، اهم رویکردهای نظری مرتبط با طراحی سیاست در این کتاب‌ها در سه بخش عمده شرح داده شده است.

جدول ۳. عناوین کتاب‌های انتخابی برای مرور ادبیات

ردیف	نام کتاب	نویسندگان	سال انتشار	کلیدواژه مورد جست‌وجو	پایگاه جست‌وجو
1	Policy Design and implementation	May, P. J.	۲۰۱۲	Policy Design	Google Scholar
2	Policy problems and policy Design	Peters, B. G	2018	Policy Design	Google Sscholar
3	The tools of policy formulation: Actors, capacities, venues and effects	Jordan, A. J., & Turnpenney, J. R	2015	Policy Formulation	Google Scholar
4	Handbook of policy formulation	Howlett, M., & Mukherjee, I	2017	Policy Formulation	Google Scholar
5	Designing public policies: Principles and instruments	Howlett, M	2019	Policy Design	Taylor & Francis
6	Routledge handbook of policy Design	Howlett, M., & Mukherjee, I	2018	Policy Design	Taylor & Francis
7	The Political Formulation of Policy Solutions: Arguments, Arenas, and Coalitions	Zittoun, P., Fischer, F., & Zahariadis, N	2021	Policy Formulation	Taylor & Francis
8	The Routledge Handbook of Policy Tools	Howlett, M	2022	Policy Formulation	Taylor & Francis
9	Designing public policy for co-production: Theory, practice and change	Durose, C., & Richardson, L	2016	Policy Design	JSTOR
10	Policy-Making as Designing: The Added Value of Design Thinking for Public Administration and Public Policy	van Buuren, A., Lewis, J. M., & Peters, B. G	2023	Policy Design	JSTOR
11	Public policy for democracy	Ingram, H., & Smith, S. R	2011	Policy Design	Google
12	Policy Design for Democracy	Schneider, A. L., Ingram, H. M	1997	Policy Design	Google
13	Research Handbook of Policy Design	Peters, B., & Fontaine, G	2022	Policy Design	Google
14	The Policy Design Primer: Choosing the Right Tools for the Job	Howlett, M	2019	Policy Design	Google

ردیف	نام کتاب	نویسندگان	سال انتشار	کلیدواژه مورد جست‌وجو	پایگاه جست‌وجو
15	Designing for Policy Effectiveness: Defining and Understanding a Concept	Peters, B. G & others	۲۰۱۸	Policy Design	Google
16	Policy Design for Research and Innovation	Acciai, C	۲۰۲۳	Policy Design	Google
17	Understanding and Analyzing Public Policy Design	Siddiki, S	2020	Policy Design	Google
18	Formal Methods in Policy Formulation	Thomas, H., & Bunn, D.W	1978	Policy Formulation	Google
19	Handbook of public policy analysis: theory, politics, and methods.	Fischer, F., & Miller, G. J	۲۰۱۷	Policy Design	Policy Publisher
20	The Oxford handbook of public policy	Moran, M., Rein, M., & Goodin, R. E	۲۰۰۸	Policy Design	Policy Publisher
21	Handbook of Public Policy	-	۲۰۰۶	Policy Design	Policy Publisher
22	Theories of the Policy Process	Sabatier, P. A	۲۰۰۷	Policy Design	Policy Publisher
23	Routledge Handbook of Public Policy	Eduardo Araral & others	۲۰۱۳	Policy Design	Policy Publisher
24	A Modern Guide to Public Policy	Capano, G., & Howlett, M	2020	Policy Design	Policy Publisher
25	Advanced Introduction to Public Policy	Peters, B. G	2021	Policy Design	Policy Publisher
26	Public Policy: Politics, Analysis, and Alternatives	Kraft, M. E., & Furlong, S. R	2017	Policy Design	Policy Publisher
27	contemporary approaches on public policy: theories, Controversies, Perspectives	Zittoun, P., & Peters, B	2016	Policy Design	Policy Publisher
28	Handbook on Policy, Process and Governing	Colebatch, H. K	2018	Policy Design	Policy Publisher
29	An Introduction to the Policy Process: Theories, Concepts, and Models of Public Policy Making	Birkland, T. A	2019	Policy Design	Policy Publisher
30	Handbook of Teaching Public Policy	Emily St.Denny & Philippe Zittoun	2024	Policy Design	Policy Publisher

رویکردهای مختلف چارچوب تحلیلی طراحی سیاست

با توجه به ادبیات نظری موجود در خصوص طراحی سیاست در کتاب‌های مورد بررسی، یافته‌های مروری این ادبیات در سه بخش تنظیم شده است. در بخش نخست به بررسی دو چارچوب کلان و مهم تحلیلی طراحی سیاست پرداخته می‌شود که اولی طراحی سیاست را به مثابه انتخاب ابزارسیاستی و ابزارسازی^۱ در نظر دارد. غالب ادبیات طراحی سیاست پیرامون این رویکرد است. رویکرد عقل‌گرایانه^۲ است که طراحی سیاست را تلاش سیستماتیک و منطقی برای دستیابی به سیاست اثربخش و کارآمد می‌داند (Araral, 2013). دومی که طراحی سیاست را صرفاً فنی و ابزارگرایانه نمی‌نگرد بلکه به محتوا و جوهره سیاست عمومی یعنی نقشه، ساختار، گفتمان و ابعاد زیبایی‌شناختی سیاست هم در قالب نمادین و هم در قالب ابزاری آن توجه دارد، به دنبال شناخت وجوه سیاسی طراح سیاستی و اثرات آن بر جامعه به طور خاص فرآیندهای دموکراتیک است. این رویکرد وام گرفته از مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی سازه‌نگارانه است. علاوه بر دو چارچوب نظری غالب طراحی سیاست، شاهد رویکردها و روندهای نظری خردتر در دل مطالعات تحلیل سیاست هستیم که هر یک می‌تواند چشم‌اندازی تحلیلی را در اختیار تحلیل‌گران و

1. Instrumentation
2. Rationalist Approach

سیاست‌پژوهان قرار دهد و در انتها به جمع‌بندی و کاربرد این نظریات در مطالعات طراحی سیاست پرداخته می‌شود. طراحی سیاست فارغ از رویکردهای مختلفی که بدان نگریسته می‌شود بر اساس مدل‌هایی که در نظریات مختلف آمده است دارای چهار عنصر اساسی است: ۱. علیت یا مدل علی ۲. ابزارسازی ۳. ارزش‌ها ۴. طرح مداخله (Peters, 2018). علیت یا مدل علی با صورت‌بندی مساله و تعریف مساله دارد به معنای یافتن چرایی مساله است. ابزارسازی یا ابزارآرایی به معنای انتخاب ابزارهای مناسب برای دستیابی به هدف سیاستی است. عنصر سوم، تجویز اصول و ارزش‌هایی که دولت به دنبال دستیابی به آن‌ها از طریق سیاست است و در نهایت طرح مداخله^۱ اشاره به استفاده از بخش عمومی و بازیگران غیردولتی برای تحقق یک سیاست از طریق ساختارهای اجرایی دارد (Peters & Fontaine, 2022). هر یک از رویکردها بر مبنای مفروضات و جهان‌بینی خود به برخی یا کلیت این عناصر از دیدگاه مختلف پرداخته‌اند.

رویکرد اول: طراحی سیاست به مثابه انتخاب ابزار و ابزارسازی

یکی از رویکردهای مسلط و غالب در تحلیل سیاست از منظر طراحی سیاست، رویکرد ابزارگرایی یا ابزارسازی به طراحی سیاست است. در این رویکرد، کنش محوری در طراحی سیاست انتخاب، الصاق و الحاق ابزار سیاستی با اهداف سیاستی است (M. Howlett & I. Mukherjee, 2017). ایده مرکزی این نظریه به دنبال این است که چگونه ابزارهای منفرد به لحاظ عملی و نظری عمل می‌کنند (Peters & Fontaine, 2022). ابزار سیاستی^۲ عبارت است از تکنیک‌ها و سازوکاری که از طریق آن‌ها دولت‌ها تلاش می‌کنند تا به اهداف خود برسند (Howlett, 2010). ابزارهای سیاستی از سه منظر تعریف شده‌اند: در دیدگاه ابزاری، ابزارها موجودیت‌های بی‌طرفی هستند که بر اساس شاخص اثربخشی انتخاب می‌شوند تا به هدف مورد انتظار دست پیدا کنند. از چشم‌انداز سیاسی این ابزارها بی‌طرف نیستند و بر مبنای زمینه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و انگیزه‌ها و منافع انتخاب و دستکاری می‌شوند. در نگاه نهادی نیز ابزارهای سیاستی نه تنها مجموعه‌ای از قواعد سازمان‌یافته و رویه‌های عملی استاندارد هستند بلکه حاوی مجموعه‌ای از ارزش‌های سیاسی و اجتماعی هستند که منجر به ساخت واقعیت می‌شوند. از دیدگاه نهادی، ابزارها شبه‌استقلال دارند (Peters & Fontaine, 2022). این رویکرد ریشه در عقلانیت ابزاری سایمون دارد و سوال محوری این است که کدام ابزارها می‌توانند هدف را تحقق ببخشند و چه عناصر و معیارهایی تعیین‌کننده ابزارها هستند؟ (Colebatch, 2018). این رویکرد به رغم پذیرفتن بعد سیاسی طراحی سیاست، نگاهی عمل‌گرایانه و ابزاری به طراحی سیاست دارد. بدین منظور اولین ادبیات تولیدشده در این حوزه به دنبال ارائه نوع‌شناسی‌های متفاوت از انواع ابزارها بوده‌اند.

نوع‌شناسی ابزارهای سیاستی

ادبیات اولیه این رویکرد به دنبال نوع‌شناسی انواع ابزارهای منفرد برای حل مسائل سیاستی بوده است. یکی از مهم‌ترین و معتبرترین این نوع‌شناسی‌ها، نوع‌شناسی هود از ابزارهای سیاستی است. هود چهار نوع ابزار سیاستی را بر اساس منابع حکمرانی دولت‌ها شناسایی می‌کند: اقتدار یا قدرت، ثروت، سازمان و اطلاعات^۳ (Colebatch, 2018). هلن اینگرام و آنا اشنایدر نیز بر مبنای مفروضات رفتاری ۵ نوع ابزار نظیر ابزارهای اقتدارآمیز، مشوق‌آمیز، تنبیهی، ظرفیت‌سازی و توصیه‌ای را شناسایی کرده‌اند (Kraft & Furlong, 2017). دسته‌بندی دیگر توسط هاوالت، رامش و پرل است که دو دسته گسترده از ابزارهای سیاستی را به نام «مدل‌های اقتصادی» و «مدل‌های سیاسی» شناسایی کرده‌اند. در مدل اقتصادی بیشتر تأکید بر انتخاب، آزادی فرد و ابتکار عمل است بنابراین تمایل بیشتر بر استفاده از ابزارهایی است که غیراجبارآمیز هستند در مقابل در مدل سیاسی انتخاب ابزار یک امر تکنیکال نیست بلکه انتخابی سیاسی است (Birkland, 2020).

1. Intervention
2. Policy Tools and Instruments
3. Nodality

ابزارهای رسمی و رویه‌ای

به طور کلی دو دسته ابزار اجرایی‌سازی در طراحی سیاست قابل بررسی است. ابزارهای رسمی^۱ و ابزارهای غیررسمی یا رویه‌ای. ابزارهای رسمی، ابزارهایی هستند که به طور مستقیم تولید، توزیع و مصرف کالا و خدمات را در جامعه تحت تاثیر قرار می‌دهند (Howlett, 2010). مطالعات اولیه که وام‌دار نگاه اقتصادی بوده است تمرکز خود را بر این ابزارها قرار داده است (Capano & Howlett, 2020). ابزارهای رویه‌ای اجرایی‌سازی ابزارهایی هستند که رفتار سیاستی و سیاسی را در فرآیند اجرایی‌سازی اهداف، به طور غیرمستقیم تغییر می‌دهند. این ابزارها و اثرات آن‌ها به نسبت ابزارهای رسمی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است (Howlett, 2010). ابزارهای رویه‌ای با تغییر موقعیت کنشگران، اضافه کردن و حذف بازیگران، تغییر قواعد دسترسی، تغییر شاخص‌های ارزیابی، تغییر استانداردهای رفتاری و حرفه‌ای، تایید نوع مشخصی از رفتار و مواردی این چنینی شبکه سیاستگذاری را تحت تاثیر قرار می‌دهد. نمونه‌ای از ابزارهای رسمی و رویه‌ای بر مبنای نوع‌شناسی هود از منابع حکمرانی در شکل زیر نمایش داده شده است.

جدول ۴. انواع ابزارهای رسمی و رویه‌ای بر مبنای منابع حکمرانی دولت
(Howlett & Mukherjee, 2018)، (Howlett, 2010) و (Howlett, 2019).

منابع حکمرانی دولت‌ها	تفاوت	رسمی
		رویه‌ای
منابع حکمرانی دولت‌ها	ثروت	رسمی
	رویه‌ای	تأمین مالی گروه‌های ذی‌نفع، تأمین مالی کمپین‌ها، تأمین مالی اندیشکده‌ها
منابع حکمرانی دولت‌ها	سازمان	رسمی
	اطلاعات	رسمی
		رویه‌ای

انتخاب ابزارهای سیاستی

انتخاب ابزار صرفاً وجه فنی ندارد بلکه پیامد سیاسی ابزار به همان نسبت کارآمد بودن و اثربخش بودن آن موثر و مهم است (Painter & Pierre, 2005). با این وجود عمده شاخص‌های انتخاب ابزار در ادبیات ابزارسازی طراحی سیاست ریشه‌ای عمل‌گرایانه دارد و کارآمدی و اثربخشی را مورد ارزیابی قرار داده است. ویژگی‌های مختلف برای انتخاب ابزارهای سیاستی در جدول پیش‌رو ارائه شده است.

جدول ۵. ویژگی‌های انتخاب ابزارهای سیاستی (Birkland, 2020)، (Peters, 2018) و (Peters, 2021)

ویژگی‌های انتخاب ابزارهای سیاستی	ردیف
قطعیت‌داشتن	۱
به لحاظ زمانی مقتضی بودن	۲

1. Substantive Tools
2. Nudges

ردیف	ویژگی‌های انتخاب ابزارهای سیاستی
۳	کم‌هزینه‌بودن ابزارهای
۴	کارآمدی ابزارها از حیث تولید حداکثر خروجی از حداقل ورودی مشخص
۵	اثربخشی ابزارها به معنای رسیدگی به اهداف مدنظر
۶	انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری با شرایط و نیازها
۷	آشکارگی و شناخته‌بودن در سطح عموم
۸	پاسخگویی اجراکنندگان
۹	اثرات بر روی درجه انتخاب و خودمختاری شهروندان
۱۰	استفاده از ابزارهای بازارمحور
۱۱	دقت هدف‌گیری ابزار
۱۲	میزان استقلال و خودمختاری ابزار
۱۳	میزان استفاده از ابزارهای متقاعدکننده تا اجبارآمیز
۱۴	ماهیت توانمندسازی ابزار
۱۵	نفوذپذیری ابزار
۱۶	امکان‌پذیری سیاسی
۱۷	قابلیت اجرایی‌سازی
۱۸	هماهنگی با هنجارهای جامعه

گذار از ابزارهای منفرد به ابزارهای چندگانه و آمیزه‌های سیاستی^۱

در دهه نود میلادی مطالعات بر روی ابزارهای سیاستی از نوع‌شناسی ابزارهای منفرد به سمت مطالعه ابزارهای چندگانه و ترکیبی و در کلام مایکل هاولت به سمت مطالعه آمیزه سیاستی رفت. آمیزه سیاستی، ترکیبی از ابزارهای سیاستی رسمی و رویه‌ای است که انتظار می‌رود به اهداف سیاستی مشخصی نائل شوند و عموماً مؤثرتر و کارآمدتر هستند تا ابزارهای منفرد این ترتیبات پیچیده از اهداف و ابزارهای سیاستی به صورت تدریجی و در طی سال‌ها توسعه پیدا کرده است (Howlett & Mukherjee, 2018). فهم این آمیزه‌های سیاستی در تحلیل سیاست بسیار مهم و مؤثر است. چرا که طراحی سیاست در خلاء اتفاق نمی‌افتد بلکه در بستری از میراث‌های سیاست‌های گذشته و آمیزه‌های سیاستی پیشین است (Colebatch, 2018). آمیزه سیاستی به صورت انباشتی و تدریجی و گاهی به صورت تصادفی و رندوم شکل گرفته‌اند (Capano & Howlett, 2020). به همین دلیل برخی از متخصصان طراحی سیاست بر این باورند که مفاهیمی چون وصله‌زدن، بسته‌بندی، لایه‌بندی، تغییر تدریجی و بسط‌دادن^۲ سیاست برای اشاره به طراحی سیاست مناسب‌تر هستند، چرا که سیاست‌ها عمده‌تاً در حال تغییر ابعاد و عناصری از آمیزه و ترکیب‌های سیاستی پیشین هستند (M. Howlett & I. Mukherjee, 2017). برای ارزیابی ترکیب‌ها و آمیزه‌های سیاستی ویژگی‌هایی برشمرده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این آمیزه‌ها، هم‌افزایی ابزارها و دیگر عناصر آمیزه است چرا که برای خوب عمل کردن این ترکیب‌ها نیازمند پایین‌ترین سطح تعارض میان عناصر مختلف است (Howlett, 2023). به عنوان مثال وجود مقررات مستقیم دولتی و توأمان وجود قواعد داوطلبانه در یک طرح سیاستی ممکن است موجب عدم انسجام شود. یا برخی از ابزارها نظیر یارانه و در عین حال تنظیم‌گری و خودتنظیم‌گری قابلیت هم‌افزایی بسیار پایینی دارند. در جدول شماره شش، انواع معیارهای ارزیابی آمیزه‌های سیاستی ارائه شده است

جدول ۶ معیارهای ارزیابی آمیزه‌های سیاستی (Howlett, 2023)، (Howlett, 2019)، (Howlett & Mukherjee, 2018)

ردیف	معیارهای ارزیابی
۱	انسجام
۲	مکمل و تکمیل‌کنندگی

معیارهای ارزیابی	ردیف
تطابق با مدل حکمرانی	۳
درجه آزادی و استقلال عناصر جهت تغییر در آینده	۴
سازگاری عناصر	۵
هم‌افزایی میان عناصر و ترکیب‌های پیشین	۶
اعتبار و باورپذیری عمومی	۷
جامعیت	۸
اثربخشی و کارآمدی	۹
تحقق‌پذیری	۱۰
هم‌خوانی و هم‌نشینی	۱۱

از دیدگاه هاوالت، آمیزه و ترکیب سیاستی در زمان طراحی برای عملکرد بهتر و کارایی باید واجد ویژگی‌هایی نظیر استفاده از طیف وسیعی از ابزارهای سیاستی، استفاده از ابزارهای انگیزه-محور و خودتنظیم‌گر، ابزارهای رویه‌ای و شبکه‌سازی باشد (Capano & Howlett, 2020).

تحلیل سیاست بر مبنای چارچوب تحلیلی طراحی سیاست به مثابه ابزارسازی و انتخاب ابزار

از این منظر؛ وظیفه تحلیل‌گر، شناسایی عناصر طراحی سیاست به ویژه اهداف و ابزارهای به کار رفته است. از سویی دیگر با توجه به شکل‌گیری مفهوم آمیزه سیاستی ارزیابی ترکیب‌های سیاستی، چگونگی پیدایش و تغییر آن‌ها در طول زمان و هم‌چنین شناخت تعارضات میان عناصر آمیزه و ترکیب سیاستی است که به تدریج و انباشتی شکل گرفته است از وظایف تحلیل‌گران محسوب می‌شوند. با وجود پذیرش زمینه‌مند بودن انتخاب ابزار از این دیدگاه، کماکان سعی بر آن است تا تا حد امکان، تقلیل‌گرایانه به جنبه‌های سیاسی طراحی سیاست و انتخاب ابزارها نگریسته شود. گالاس بر این اعتقاد است که تأکید بر انتخاب ابزار و ابزارهای ترکیبی و آمیخته سیاستی که نقطه تمرکز، اصلی و محوری جریان غالب مطالعات طراحی سیاست معاصر است سه مشکل عمده را ایجاد می‌کند. این نظریه با دیگر نظریه‌های علوم اجتماعی درگیر نیست و مرتبط نیست، این نظریه بر تحقیقات تجربی محدود بنا شده است و در انتها آن که این نظریه بر پایه مفهوم نحیف و تقلیل‌یافته‌ای^۱ از حل مساله به عنوان فرآیندی عقلایی بنا شده است. این جریان جدید عموماً عامل شکست سیاست‌ها را طراحی ضعیف دولت‌ها می‌پندارند و سطح ملی را در طراحی سیاست، تعیین‌کننده در نظر می‌گیرد. این رویکرد که بازتاب دیدگاه کارکردگرا و سیاست‌زدایی به طراحی سیاست است به جنبه‌های سیاسی این فرآیند نمی‌پردازد (Peters & Fontaine, 2022).

رویکرد دوم: طراحی سیاست و بر ساخت‌گرایی اجتماعی

در این رویکرد، طراحی سیاست به مثابه محتوای سیاست^۲ مدنظر است. هلن اینگرام و آنا اشنایدر سردمداران این نظریه، به دنبال بهبود دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک نظیر نهادهای دموکراتیک، عدالت، حل مساله و شهروندی از طریق تحول در طراحی سیاست و به عبارتی طرح‌های سیاستی هستند. این رویکرد اولین تلاش منسجم برای استفاده از نظریه سازه‌انگاری در مطالعات و تحلیل سیاست عمومی است و برخلاف نظریات غالب در مطالعات طراحی سیاست که نقش محوری برای ابزارهای سیاستی قائل هستند، در این رویکرد علاوه بر ابزار، سایر عناصر طراحی سیاست نیز مورد بررسی سازه‌انگاران قرار گرفته و با کنار گذاشتن مفروضات عقلانیت ابزاری به طرح سیاستی، بر ساخت‌های اجتماعی مندرج در محتوای سیاست مورد کنکاش قرار گرفته و منطقیها و مفروضات آشکار و نهان آن بررسی می‌شود. این چارچوب تحلیلی به دنبال فهم شکست دموکراسی به طور خاص در جامعه

1. Narrow Conception
2. Policy Content

امریکایی و چرایی تولید و خلق نوع خاصی از سیاست‌ها توسط ساختار سیاست‌گذاری است. این رویکرد، مطالعات انتقادی را نیز در دل خود جای داده است بدین معنا که چگونه دولت‌ها به وسیله طراحی سیاست، سیستم کنونی توزیع امتیاز و مسئولیت‌ها را حفظ می‌کنند. از دیدگاه هلن اینگرام و اشنایدر طراحی سیاست بازتاب روابط قدرت است. آن‌ها طراحی سیاست را تنها از بعد فنی و کارآمدی نگاه نمی‌کنند بلکه طراحی سیاست از منظر آنان، ابزاری برای نجات فرآیندهای دموکراسی است. در فرآیند طراحی سیاست جمعیت‌های هدف به گروه‌های برخوردار و نابرخوردار تقسیم شده و این امر توجیهی برای اعطای مزایا و منافع یا مسئولیت و مجازات است. در نتیجه طراحی سیاست به مثابه یک نهاد، این کلیشه‌ها را بازتولید کرده و در نتیجه تأثیرات مهمی بر فرآیندهای دموکراتیک در جامعه می‌گذارد (Fischer & Miller, 2006).

برساخت‌های اجتماعی طرح سیاست

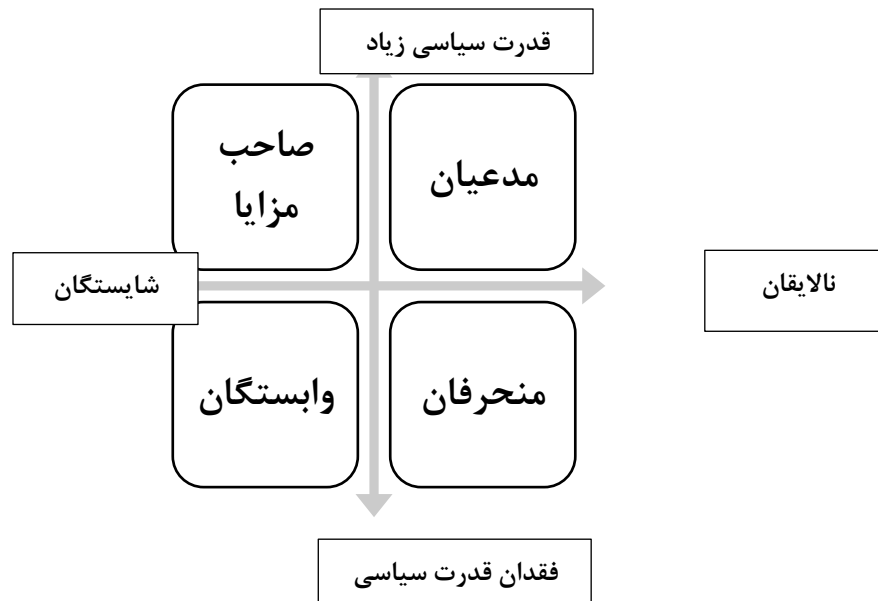
هر طرح سیاستی شامل عناصری چون جمعیت‌های هدف^۱ (دریافت‌کنندگان منافع و مسئولیت‌ها)، مسائل و اهدافی که باید حل شوند، کارگزاران (مسئولان انجام)، قواعد^۲ (شاخص‌ها و رویه‌ها)، منطق‌ها^۳ (رکن توجیه‌کننده و مشروعیت بخش سیاست)، ابزارها و مفروضات^۴ (ارتباطات منطقی که همه این عناصر راه به هم گره می‌زند) و ساختار اجرایی است. در همه طرح‌های سیاستی این عناصر وجود دارد. اهداف معمولاً در متن سیاست بیان شدند. با این وجود اهداف اصلی ممکن است پوشانده شوند و به نام هدف، اهداف دیگر دنبال شود. جمعیت‌های هدف؛ مردم، گروه‌ها و سازمان‌هایی هستند که توسط سیاست اثر می‌پذیرند. این جمعیت‌ها مهم هستند چرا که آن‌ها باید در مسیر اجرای سیاست تغییر رفتار دهند. سیاست‌ها، ارزش‌ها (نظیر منافع و مسئولیت‌ها) را برای جمعیت‌های هدف توزیع می‌کند. قواعد اشاره دارد به این که چه کسی، چه کاری و چه چیزی را چه زمانی با چه محدودیت‌ها و منابعی باید انجام دهد. ابزارها مشوق‌ها و عوامل بازدارنده هستند. ابزارها عبارتند از قدرت (اقتدار)، مشوق مثبت، مشوق منفی یا مجازات، اجبار واقعی، ابزار نمادین و متقاعد کننده، ابزارهای یادگیری، ابزارهای ظرفیت‌سازی. ساختارهای اجرایی انواع فرمان و کنترل از بالا به پایین و پایین به بالا برای پیاده‌سازی سیاست است. منطق‌ها، دلایل، توجیهات و مشروعیت‌ها برای خود طرح سیاست است (Araral, 2013). همه این عناصر به گونه‌ای برساخت اجتماعی محسوب می‌شوند. برساخت اجتماعی اغلب عام و بیناذهنی هستند و به بخشی از زندگی ما تبدیل شده‌اند که به سادگی قابل رؤیت نیستند (Schneider & Ingram, 1997). از میان برساخت‌های اجتماعی که در طراحی سیاست وجود دارد دو برساخت اجتماعی گروه هدف و دانش نزد اینگرام و اشنایدر از همه مهم‌تر هستند. آنان بر این باور هستند که بر اساس این عناصر می‌توان به نوع‌شناسی از محتوای سیاست دست پیدا کرد. همانطور که بیان شد در رویکرد پیشین، قالب تلاش‌ها به دنبال نوع‌شناسی از ابزارهای طراحی است، این در حالی است که مدعیان این رویکرد بر این باورند که می‌توان به نوع‌شناسی از محتوای سیاست دست یافت. هر یک از انواع طرح‌های سیاستی واجد پیام‌هایی مستقیم و غیرمستقیم به جامعه هدف و عموم مردم هستند که در نتیجه آن، احساسات و نگاه مردم و رفتار آن‌ها را با دولت شکل می‌دهد. به عبارتی سیاست‌ها بر روی مشارکت و جهت‌گیری سیاسی شهروندان اثر مستقیم دارد (Araral, 2013).

برساخت اجتماعی جمعیت هدف

یکی از مهم‌ترین گزاره‌ها در این نظریه، عنصر برساخت اجتماعی جمعیت یا گروه هدف است. مراد از این گزاره، افرادی است که از طریق عناصر مختلف طرح سیاست، مستحق دریافت منافع یا مسئولیت می‌شوند (Sabatier, 2007). بر مبنای دو ویژگی قدرت

1. Targeted Groups
2. Rules
3. Rationales
4. Assumptions

سیاسی بالا و ضعیف و ساخت اجتماعی مثبت و منفی در جامعه، جمعیت‌های هدف به چهار گروه تقسیم می‌شوند: گروه‌های صاحب مزایا^۳ (قدرت سیاسی بالا و ساخت اجتماعی مثبت)، مدعیان^۴ (قدرت سیاسی بالا و ساخت اجتماعی منفی)، وابستگان^۵ (قدرت سیاسی پایین اما ساخت اجتماعی خوب اما ضعیف) و در نهایت منحرفان^۶ (قدرت سیاسی ضعیف و ساخت اجتماعی بد، خطرناک، خشن). این مدل چهارگانه لزوماً به معنای تفکیک صریح و مشخص میان این گروه‌ها نیست بلکه به دنبال ارائه مدلی مفهومی برای جمعیت‌های هدف سیاست است.



شکل ۲. ساخت اجتماعی گروه‌های هدف (Schneider & Ingram, 1997)

انواع طرح‌های سیاستی

بر مبنای این رویکرد، طرح‌های سیاستی در چنین سیستم‌هایی بر مبنای توزیع مسئولیت و منافع بر اساس گروه‌های هدف ساخته شده، قابل شناسایی هستند. در این طرح‌های سیاستی، سایر عناصر از قبیل ابزارها، منطقی‌ها، ساختار اجرایی و مفروضات نیز به تبع توزیع منفعت و تنبیهات به گروه هدف متفاوت است. نظام توزیع بر مبنای جمعیت هدف، وابسته به ایجاد فرصت‌ها و مخاطرات سیاسی برای سیاستمداران است. سیاست‌های سودمند و منفعتانه نظیر بارانه، قواعد تضمین مزایا، معافیت مالیاتی، ابزارهای سیاستی کنترلی برای جمعیت هدف و مسئولیت‌ها عبارتند از مالیات‌گیری، انواع تنبیهات و مجازات، محدودیت‌ها و قوانینی که مانع از امتیازگرفتن می‌شود. از این منظر در دو قسمت مشخص، فرصت سیاسی برای سیاستمداران نهفته است، نخست توزیع منفعت به صاحبان قدرت سیاسی و بر ساخت اجتماعی مثبت چرا که آنان در زمره شایستگان محسوب می‌شوند و دوم مجازات برای گروه‌هایی است که فاقد قدرت سیاسی هستند و ساخت اجتماعی منفی دارند. مثال‌هایی از این گروه‌ها در جامعه امریکایی در جدول زیر ذکر شده است (Schneider & Ingram, 1997).

1. Political Power
2. Social Construction
3. Advantaged Groups
4. Contenders
5. Dependents
6. Deviants

جدول ۷. مثال‌هایی از جمعیت هدف (Schneider & Ingram, 1997) و (Sabatier, 2007).

نمونه جمعیت	جمعیت هدف
بخش تجاری، تجار، کسب‌وکارها، دانشمندان، طبقه متوسط، نظامیان	صاحب مزایا و برتران
صاحبان اسلحه، ثروتمندان، مدیرعامل‌ها	مدعیان
زنان، بچه‌ها، سالمندان، معلولان، فقیران	وابستگان
جانیکناران، دزدان، مهاجران غیرقانونی، هکر کامپیوترها، مجرمان جنسی، جاسوسان	منحرفان

اینگرام و اشنایدر بر مبنای این مفروضات از طرح سیاستی تخریب‌گر و رو به انحطاط صحبت می‌کنند که خصیصه‌های مهم این سیاست‌ها عبارت است از نهادهای به‌شدت سیاست‌زده، تولید و بازتولید برساخت‌های اجتماعی به منظور توزیع ارزش‌ها و منابع در جامعه، سیاست‌گذاری بر مبنای برساخت‌های اجتماعی، اهداف دستکاری‌شده و منطبق‌ها و مفروضات فریبنده (Schneider & Ingram, 1997) که این نوع از طرح‌های مخرب فرآیندهای دموکراتیک در جامعه است. یکی دیگر از مفروضات مهم این نظریه، ساخت اجتماعی دانش و به تبع آن تحلیل طرح‌های سیاستی است که به صورت تخصصی و حرفه‌ای شکل گرفته‌اند. در این رویکرد نیز با وام‌گیری از مباحث نظری سازه‌نگاری، اینگرام و اشنایدر سعی دارند با نگاهی انتقادی به ارتباط میان تخصص و دانش‌گرایی و حوزه طراحی سیاست بپردازند. از این منظر، دانش چیزی است که درون جامعه شکل می‌گیرد نه این که از خارج از آن وارد شود. دانشمندان این مهارت را دارند که دیگران را متقاعد سازند که کار آن‌ها از روشی حرفه‌ای و منسجم پیروی کرده است در نتیجه علم نمی‌تواند مستثنا از نیروهای سیاسی و اجتماعی باشد. با این وجود، طرح‌های حرفه‌ای و تخصصی متفاوت از سیاست‌هایی است که در نظام سیاست‌گذاری پیشین شکل گرفته است. بدین معنا که مفروضات، ساختار اجرایی، منطق‌ها و ابزارهای متفاوتی در این سیاست‌ها به کار رفته است (Schneider & Ingram, 1997).

تحلیل سیاست بر مبنای چارچوب تحلیلی طراحی سیاست و برساخت‌گرایی اجتماعی

بر این اساس، وظیفه تحلیل سیاست صرفاً کنکاش ابزارهای سیاستی و کارآمدترکردن و اثربخش‌ترکردن آن‌ها با رویکردی عمل‌گرایانه نیست بلکه هدف از تحلیل این است که اثبات کند چگونه عناصر طراحی شده موجود در محتوای سیاست از قبیل اهداف، جمعیت‌های هدف، منطق‌ها، تصاویر، ساختار اجرا، قواعد و ابزارها بر روی ساخت اجتماعی، اجرایی‌سازی، صورت‌بندی، شفافیت، اطلاعات و فرصت‌های ارائه‌شده به شهروندان اثر می‌گذارد. به بیانی دیگر چگونه فرآیندهای دموکراتیک نظیر ایجاد فضای باز‌گفتامی، تغییر جهت و نگرش شهروندان، کسب حمایت و مشارکت شهروندان و پاسخگویی نظام حکمرانی در اثر طراحی سیاست تقویت و تضعیف می‌شوند (Moran et al., 2006). نکته‌ای که برساخت‌گرایی به روش‌شناسی تحلیل سیاست می‌افزاید، پرهیز از تعمیم‌دادن و مدل‌های انتزاعی کلان است که عموماً در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی استفاده می‌شوند. نظریه ساخت اجتماعی مفروضات جهان‌شمول ارائه نمی‌دهد و بیشتر بر اساس روش‌های کیفی آزمون می‌شود؛ در نتیجه استقرایی است و قیاسی نیست. بیشتر دنبال پاسخ به ارتباط میان دموکراسی و سیاست است (Sabatier, 2007). با این وجود منتقدان بر این باور هستند که این نظریه فهمی بسیار تقلیل‌گرایانه از سازه‌نگاری را اتخاذ کرده است. از این منظر با توجه به اینکه سیاست‌های عمومی به شدت برای اهداف ایدئولوژیک و سیاسی استفاده می‌شوند تا یافتن بهترین راه‌حل برای مساله جمعی، تحلیل‌گران سیاست باید با دقت عناصر طراحی را در نظر گرفته و تحلیل کنند. بدین معنا تنها نباید تکیه بر منطق فنی حاکم بر سیاست کنند بلکه باید قادر به فهم پیام‌های نهان و مفروضات اصلی سیاست باشند (Araral, 2013).

روندها و رویکردهای دیگر به مطالعات طراحی سیاست

توسعه مطالعات طراحی به عنوان زیربخشی از تحلیل سیاست با وام‌گیری از مفاهیم و نظریات رشته‌های گوناگون دیگر نظیر علوم مهندسی، علم طراحی، علوم شناختی و نظریات جامعه‌شناختی نظیر نهادگرایی رویکردهای جدیدی را برای طراحی سیاست به

ارمغان آورد. از سویی دیگر تغییر و تحولات در فناوری به خصوص فناوری های دیجیتال موجب شد تا تحولاتی در مفاهیم اصلی این رویکرد نظیر نوع شناسی ابزارهای و پیدایی ابزارهای جدید و چگونگی طراحی سیاست پدید آید. در ادامه به مهم ترین این رویکردها پرداخته می شود.

طراحی سیاست به مثابه فرآیند تصمیم گیری

در این نگاه، تدوین و صورت بندی سیاست تا حد زیادی به معنای تصمیم گیری است. در نتیجه باید به دنبال تصمیم هایی بود که هزینه کم و منفعت بیشتر داشته باشد. به ندرت از واژه طراحی سیاست استفاده شده و عمدتاً قالب ادبیات در مورد تدوین و صورت بندی سیاست است. این رویکرد بر این باور است که با استفاده از روش های تحلیل سیاست که عمدتاً برگرفته شده از تحلیل تصمیم گیری در بخش تجاری است می توان به بهبود و کارآمدتر کردن هر چه بیشتر سیاست ها کمک کرد (Thomas & Bunn, 1978). در این رویکرد سعی می شود تا با مطالعه مدل های مختلف تصمیم گیری نظیر مدل عقلانی تصمیم گیری، مدل تدریجی گرایی و مدل کینگ دان برای فرآیند دستور کار، نگرش هایی برای طراحی سیاست حاصل شود (Hill & Varone, 2021). ابزار از این منظر اشاره به ابزارهای تحلیلی در هنگام تصمیم گیری و انتخاب گزینه سیاستی نظیر ابزار شناسایی مساله، ابزار شناسایی راه حل های مختلف، ابزار تحلیل راه حل ها، ابزار شناخت ساختار مساله و ابزار جمع آوری داده و اطلاعات دارد (Jordan et al., 2015). به طور مثال گرفت و فرلانگ ابزارهای تحلیل سیاست را از مناظر مختلف اقتصادی نظیر تحلیل هزینه- فایده، منظر اثرات و تصمیم گیری نظیر ارزیابی اثر، منظر نهادی و سیاسی نظیر امکان پذیری سیاسی و ارزیابی اجرا و همین طور از منظر اخلاقی به معنای ملاحظه وجوه اخلاقی کنش سیاسی دسته بندی کرده اند. آن ها همچنین شاخص هایی را نظیر اثربخشی، کارآمدی، عدم قطعیت، امکان پذیری اجرایی و سیاسی و فنی، پذیرش اجتماعی، تطابق با قانون و مواردی دیگر را برای ارزیابی سیاست های پیشنهادی ارائه کرده اند (Kraft & Furlong, 2017).

انتخاب ابزارهای سیاستی و مدل حکمرانی

در ادبیات ابزارسازی طراحی سیاست، چهار مدل حکمرانی قانونی، بازار، شبکه ای و شرکتی بر مبنای نوع شناسی هود از منابع حکمرانی دولت شناسایی شده است. انتخاب ابزارها نیز تابعی از مدل حکمرانی در نظر گرفته شده است. متخصصان اخیر حوزه طراحی بر این باور هستند که تغییر و تحولات حوزه فناوری و همچنین بخش مدنی جامعه، ظرفیت حکمرانی دولت ها را برای انتخاب ابزارهای جدید توسعه داده است. به طور مثال استفاده از ظرفیت بخش عمومی و همچنین بخش خصوصی در اجرایی سازی سیاست ها نمونه ای از اثر ظرفیت حکمرانی بر انتخاب ابزار است (Painter & Pierre, 2005). از این منظر تحلیل سیاست ها می تواند به مطالعه مدل های حکمرانی و نسبت آن با ابزارهای انتخابی برای طراحی بپردازد.

مسائل بفرنج^۱ و پیچیده و طراحی سیاست

در ادبیات سیاست گذاری، انواعی از مسائل شناسایی می شوند که طراحی سیاست تابعی از آن خواهد بود. به طور مثال پیترز دو نوع مساله ساختاریافته خوب^۲ و ساختاریافته ضعیف^۳ را از هم متمایز می کند. نوع اول دارای اطلاعات در دسترس، اهداف، گزینه های سیاستی و پیامد تصمیم مشخص است در حالی که نوع دوم برعکس اولی است. ارتباط این نوع شناسی با طراحی سیاست این گونه است که در نوع اول می توان از ابزارهای فناوری های جدید نظیر هوش مصنوعی در حل آن ها بهره برد در حالی که نوع دوم

1. Wicked
2. Well-Structured
3. Ill-Structured

نیازمند تصمیم انسانی است (Peters, 2018). یکی از انواع مسائل شناسایی‌شده، مساله بفرنج است. البته گاهی از مفهوم مساله پیچیده نیز استفاده می‌شود؛ هرچند در ادبیات سیاست‌گذاری میان مفهوم مساله بفرنج و پیچیده تفاوت‌هایی وجود دارد اما می‌توان به برخی از ویژگی‌های مشترک این مسائل اشاره کرد. ریتل و وبر^۱ ویژگی‌هایی چون: ساختار ضعیف، فقدان راه‌حل مشخص و آماده، توقف‌ناپذیری، شبکه‌ای از مسائل، تعدد بازیگران، عدم اجماع بر تعریف، منحصر به فرد بودن و فقدان راه‌حل درست و غلط را برای این مسائل بر می‌شمارند (Peters, 2018). یکی از رویکردهای مطالعاتی جدید در طراحی سیاست، شناسایی مسائل بفرنج و چگونگی طراحی سیاست برای آنان است.

طراحی سیاست و علوم رفتاری

این رویکرد به دنبال مجموعه‌ای از ابزارهای روانشناسانه است تا بتوان تغییرات و مداخلاتی را به نفع عموم جامعه انجام داد (Peters, 2021). در سال‌های اخیر سعی شده از نگرش‌های رفتاری در طراحی سیاست‌های بهتر و ارتقای آن‌ها استفاده شود. این روش‌ها معمولاً کم‌هزینه‌تر و البته غیرمعمول‌تر است. ریشه این مطالعات به مطالعات اقتصادی و اقتصاد رفتاری بر می‌گردد (Zittoun & Peters, 2016). یکی از مشهورترین ایده‌های رفتاری که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است ایده تلنگر یا سقلمه^۲ برای ایجاد یا عدم ایجاد انگیزه در رفتار عموم جامعه و جمعیت هدف سیاست به نفع شیوه رفتاری مطلوب سیاستگذار است به طوری که بدون دخالت مستقیم و یا حداقل دخالت آشکار باشد (Peters, 2021). رویکرد رفتاری با گذار از مدل کنشگر عقلایی و همین‌طور عقلانیت محدود و مفروضات آن به سمت نظریه انتخاب عقلایی انسان-محور در حال حرکت است. سه بعد مهم مفروضات رفتاری در طراحی سیاست از نظر صبا سیدیکی عبارت است از ۱. ارزش‌های فردی ۲. ظرفیت پردازش اطلاعات فردی و ۳. مکانیزم‌های درونی که فرد زمان تصمیم‌گیری در مورد چگونگی عمل در یک موقعیت مشخص مدیریت شده به کار می‌برد (Siddiki, 2020). رویکردهای پیشینی به طور خاص رویکرد ابزارسازی و انتخاب ابزار این ابعاد شناختی انسان را در نظر نگرفته‌اند. این رویکرد هم‌چنین به دنبال فهم سوگیری‌های شناختی افراد در هنگام طراحی و انتخاب ابزارهای سیاستی است. بر اساس این رویکرد، عقلانیت محدود قاعده طراحی سیاست است. بنابراین باید بدانیم چه سوگیری محتوای سیاست را تحت تاثیر قرار داده است؟ (Peters & Fontaine, 2022). از این منظر، مفروضات رفتاری در مورد انسان و چگونگی عملکرد انسان اثری مهم بر طراحی سیاست دارد به طور مثال طراحی سیاست با منافع افراد، ویژگی‌های محیط سازمانی و سیاسی آن پیوندی قوی دارد و نمی‌توان بدون در نظر داشت این مسائل، سیاستی را تحلیل و طراحی کرد.

طراحی سیاست چابک

یکی از رویکردهای دیگر در طراحی سیاست، مساله چابک‌بودن سیاست و ویژگی‌های آن است. این مفهوم که بیشتر در مطالعه ترکیب‌ها و آمیزه‌های سیاستی مورد استفاده قرار می‌گیرد اشاره به سیاست‌هایی دارد که از ویژگی‌هایی چون پیمانگی (ماژولاریتی)، تنوع، افزونگی، سازگاری و تطبیق‌پذیری برخوردار است. ماژولاریتی به معنای این است که تا چه حدی یک سیاست از عناصر مستقل و متمایز ترکیب شده است که بتوان به راحتی عنصری را اضافه یا جایگزین کرد، بدون آن که کارآمدی و اثربخشی سیاست به طور کلی تحت تأثیر قرار بگیرد. تنوع به معنای استفاده از ابزارهای متنوع و افزونگی به معنای وجود سازمان‌ها و نهادهای مختلف برای مدیریت، تصمیم‌گیری برای یک مساله سیاستی مشابه تا امکان جایگزینی نهاد دیگر در هنگام اجرا یا تغییرات باشد (Howlett & Mukherjee, 2018). سازگاری به معنای این است که سیاست‌های چندگانه در حال تقویت هم باشند نه آن که در تعارض یکدیگر قرار بگیرند. چرا که با توجه به ذات تدریجی و انباشتی آمیزه‌ها و ترکیب‌های سیاستی، سیاست‌های بعدی

1. Rittel and Webber
2. Nudge

بسیاری از عناصر سیاست‌های قبلی را حفظ و تکرار می‌کنند. در نتیجه وجود سازگاری و انسجام میان اجزاء و عناصر مختلف امری ضروری است. تطبیق‌پذیری یعنی طرح سیاست به گونه‌ای باشد که بتوان در شرایط عدم قطعیت، تغییرات سیاست را با شرایط موجود تطبیق دارد (Siddiki, 2020).

طراحی سیاست و نظام مشاوره سیاستی

یکی از پرسش‌های مهم در مطالعات طراحی این مساله است که طراحان سیاست چه کسانی هستند. رویکرد نظام مشاوره سیاستی یکی از رویکردهای متأخر برای فهم طراحان سیاست است. مطالعه سیستم مشاوره سیاستی بخشی مهم در تدوین و صورت‌بندی سیاست است (M. Howlett & I. Mukherjee, 2017). کنشگران بسیاری نظیر گروه‌های فشار، ذی‌نفع، سیاستمداران، اندیشکده‌ها، نخبگان، بوروکرات‌ها، دلالان دانش و کارآفرینان دانش، نظام مشاوره سیاستی را شکل می‌دهند (Jordan et al., 2015). نظام مشاوره سیاستی که در یک فضای پیچیده، متکثر و چندمنظوره قرار دارد و از بازیگران داخل و خارج دولت تشکیل و از چندین منبع توصیه و مشورت می‌رساند، در طراحی سیاست بسیار مهم است. این نظام جریان دانش را برای ادغام سیاست‌هایی منسجم‌تر ایجاد کرده و پیشینه دانشی غنی را در اختیار سیاستگذاران قرار می‌دهد (Howlett & Mukherjee, 2018). از این‌رو مطالعه چنین نظامی، شناخت کنشگران آن و جریان اطلاعاتی که به سیاستگذاران می‌رسد در تحلیل سیاست‌ها بسیار مهم است.

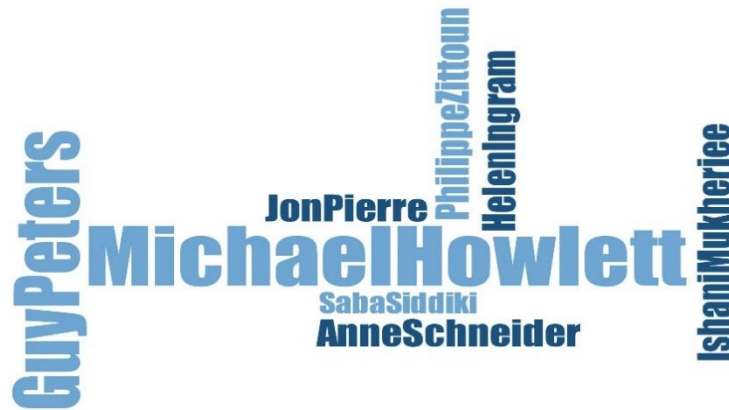
طراحی سیاست و آزمایشگاه‌های سیاستی

یکی از جدیدترین رویکردها در مطالعات طراحی، بحث آزمایشگاه‌های سیاستی و طراحی سیاست است. در آزمایشگاه‌های سیاستی که با مأموریت حمایت از سیاستگذاران با راه‌حل‌های نوآورانه که بر مبنای تحقیقات تجربی است شکل گرفته‌اند، روش‌های مختلفی از جمله تفکر طراحی، نگرش‌های رفتاری، حکمرانی مشارکتی و کارآفرینی اجتماعی به کار گرفته می‌شود. از این منظر؛ طراحی، روشی برای فهم بهتر و ساخت مساله سیاستی است تا یافتن راه‌حل برای اهداف از پیش تعیین شده و تعریف شده. در نتیجه به جای دیدگاه اولیه که به دنبال حذف گزینه‌ها برای رسیدن به گزینه نهایی و بهتر بوده است در تفکر طراحی به دنبال مشارکت گسترده بازیگران و کنشگران در فرآیند سیاستگذاری و ایجاد طیف گسترده‌تری از راه‌حل‌های ممکن است (Arwin van et al., 2023). انسان‌محوری، صورت‌بندی مجدد مسائل، عمیق‌بودن، تطبیق‌پذیری بیشتر با مصرف‌کننده نهایی، درگیری ذی‌نفعان در مساله طراحی، طراحی مشارکتی، خلاقیت، تجربی‌بودن، آزمون‌پذیری و اجرای پایلوت نمونه‌هایی از ویژگی‌های تفکر طراحی است که در آزمایشگاه‌های سیاستی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از سویی دیگر با انقلاب اطلاعات و عصر دیجیتال و پیدایی و ظهور داده‌های کلان و گسترده و حجیم و هوش مصنوعی صحبت بر سر این است که آیا پردازش این اطلاعات نیز می‌تواند در طراحی سیاست مفید باشد و الگوریتم‌ها چه کمکی می‌توانند به طراحی سیاست بکنند؟ نقش این فناوری‌های جدید هم در ابزارها و هم در فرآیندها خواهد بود. آزمایشگاه‌های طراحی سیاست بر روی این مسائل نیز کار می‌کنند (Peters & Fontaine, 2022).

کاربرد چارچوب‌های تحلیلی طراحی سیاست در مطالعات سیاست عمومی

هنگامی که صحبت از چارچوب تحلیلی طراحی سیاست می‌شود، هم با فرآیند طراحی و به عبارتی فعل طراحی و هم با خروجی آن یعنی طرح سیاست یا به عبارتی خود سیاست سروکار داریم. خواستگاه عمده ادبیات طراحی آمریکای شمالی است. این نکته بسیار مهم است که غالباً طراحی نوعی بازطراحی است و از سویی در خلاء شکل نمی‌گیرد بلکه بر بستری از میراث طرح‌های

سیاستی گذشته و وفاداری سازمان‌ها و افراد به سیاست‌های قبل شکل می‌گیرد. رویکردهای مختلف طراحی سیاست در طیفی از رویکردهای صرفاً فنی و تکنوکراتیک تا کاملاً سیاسی قرار گرفته‌اند.



شکل ۴- ابر کلمات نویسندگان کتب نظری طراحی سیاست از نظر تعدد کتاب

هر کدام از این رویکردها می‌توانند نقشی مهم در افزایش ظرفیت و ابزار تحلیلی تحلیل‌گران سیاست ایجاد کنند. رویکرد انتخاب ابزار و ابزارسازی به‌مثابه گونه آرمانی^۱ در طراحی سیاست می‌تواند نگرش‌هایی مفید را برای تحلیل‌گران سیاست در ارتباط با ابزارها، چگونگی انتخاب و شکل‌گیری آن‌ها در طول زمان و فهم تغییر و تحولات آنان ارائه دهند. طرفداران این رویکرد به رغم پذیرش سیاسی بودن طراحی سیاست کماکان مدل ابزاری را بهترین مدل برای فهم طراحی سیاست می‌دانند و به صورت محدود تاثیر مؤلفه‌های سیاسی را در نظر می‌گیرند. از سویی دیگر برساخت‌گرایی اجتماعی و طراحی سیاست سعی دارد تا با فهم ابعاد سیاسی و سوگیری‌های شناختی که درون سیاست نهفته است غبار پوشیده‌شده بر تحلیل را که ناشی از نگاه صرفاً فنی و تکنوکراتیک است کنار زند و نگرش‌های دیگری را پیش روی تحلیل‌گران قرار دهد. هدف اصلی چارچوب ساخت اجتماعی این است که توضیح دهد چگونه و چرا انواع مشخصی از سیاست‌ها در چارچوب‌ها و زمینه‌های مشخصی ظهور و بروز می‌کنند و اثرات آن بر الگوهای مشارکت شهروندان و جهت‌گیری سیاسی و به طور کلی دموکراسی چیست؟ نمونه‌هایی از حوزه‌های سیاستی که در آن از چارچوب طراحی سیاست و برساخت‌گرایی اجتماعی استفاده شده عبارتند از شهروندی، سلامت (جذام، ایدز، سرطان)، جانبازان و سربازان جنگی، رفاه، معلولیت/ ناتوانی، سیاست‌گذاری جنایی، مسکن، مهاجرت و موارد دیگر (Sabatier, 2007). سایر رویکردها نیز با وام‌گیری از مفروضات و مبانی سایر رشته‌های علمی نظیر اقتصاد، روانشناسی، علوم شناختی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و مهندسی سعی دارند تا ابعاد دیگری از فرآیند طراحی و خروجی طراحی را بشکافند. از این رو فهم رویکردها و چارچوب‌های طراحی سیاست و توسعه این چارچوب‌ها بر اساس زمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نظام سیاست‌گذاری می‌تواند چشم‌اندازهای نوینی را در تحلیل سیاست در اختیار تحلیل‌گران، سیاست‌پژوهان و سیاست‌گذاران قرار دهد.

References

1. Aguiar, R., Soares, F. J., & Lima, L. L. (2023). Mapping the policy Design research: a systematic literature review. *Cadernos Gestão Pública e Cidadania*, 28, e85619-e85619.
2. Araral, E. (2013). *Routledge Handbook of Public Policy*. Routledge. <https://books.google.com/books?id=AimVtmIb4Z8C>
3. Arwin van, B., Jenny, M. L., & Peters, B. G. (2023). *Policy-Making as Designing*. Policy Press. <https://doi.org/doi:10.56687/9781447365952>
4. Ashtarian, K., & Emami Meibodi, R. (2012). LITERATURE REVIEW AND SYSTEMATIC REVIEW (1) SOME SUGGESTIONS FOR FACULTIES, RESEARCH INSTITUTES AND THESIS'S AGENDA: PRINCIPLES AND FUNDAMENTALS POLITICAL QUARTERLY, 42(3), 1-15. <https://doi.org/10.22059/jpq.2012.29984>

1. Ideal Type

5. Birkland, T. A. (2015). An introduction to the policy process: Theories, concepts, and models of public policy making. Routledge.
6. Birkland, T. A. (2020). An Introduction to the Policy Process: Theories, Concepts, and Models of Public Policy Making. Routledge. <https://books.Google.com/books?id=ycL6wQEACAAJ>
7. Capano, G., & Howlett, M. (2020). A Modern Guide to Public Policy. Edward Elgar Publishing. <https://books.Google.com/books?id=5sgBEAAQBAJ>
8. Colebatch, H. K. (2018). Handbook on Policy, Process and Governing. Edward Elgar Publishing Limited. <https://books.Google.com/books?id=EKV-DwAAQBAJ>
9. Ferretti, V., Pluchinotta, I., & Tsoukiàs, A. (2019). Studying the generation of alternatives in public policy making processes. European Journal of Operational Research, 273(1), 353-363.
10. Fischer, F., & Miller, G. J. (2006). Handbook of Public Policy Analysis: Theory, Politics, and Methods. CRC Press. <https://books.Google.com/books?id=vAbOBQAAQBAJ>
11. Frank, F., Miller, G., & Sidney, M. (2007). Handbook of public policy analysis theory, politics, and methods. CRC Press Taylor and Francis Group, New Jersey.
12. Grant, M. J., & Booth, A. (2009). A typology of reviews: an analysis of 14 review types and associated methodologies. Health Information & Libraries Journal, 26(2), 91-108.
13. Hill, M., & Varone, F. (2021). The Public Policy Process. Taylor & Francis. <https://books.Google.com/books?id=ORYeEAAAQBAJ>
14. Howlett, M. (2010). Designing Public Policies: Principles and Instruments. Taylor & Francis. <https://books.Google.com/books?id=DCj2wAEACAAJ>
15. Howlett, M. (2019). The Policy Design Primer: Choosing the Right Tools for the Job. <https://doi.org/10.4324/9780429401046>
16. Howlett, M. (2023). The Routledge Handbook of Policy Tools (Vol. 1). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781003163954>
17. Howlett, M., & Lejano, R. P. (2013). Tales from the crypt: The rise and fall (and rebirth?) of policy Design. Administration & Society, 45(3), 357-381.
18. Howlett, M., & Mukherjee, I. (2014). Policy Design and Non-Design: Towards a Spectrum of Policy Formulation Types. Politics and Governance, 2. <https://doi.org/10.17645/pag.v2i2.149>
19. Howlett, M., & Mukherjee, I. (2017). Handbook of Policy Formulation. Edward Elgar Publishing. https://books.Google.com/books?id=P_6lDgAAQBAJ
20. Howlett, M., & Mukherjee, I. (2017). Policy Design: From tools to patches. Canadian Public Administration, 60(1), 140.
21. Howlett, M., & Mukherjee, I. (2018). Routledge Handbook of Policy Design. Routledge. <https://books.Google.com/books?id=dkpHswEACAAJ>
22. Howlett, M., Mukherjee, I., & Woo, J. J. (2015). From tools to toolkits in policy Design studies: The new Design orientation towards policy formulation research. Policy & Politics, 43(2), 291-311.
23. Jordan, A., Turmpenny, J., Benson, D., & Rayner, T. (2015). The Tools of Policy Formulation: An Introduction. In. <https://doi.org/10.4337/9781783477043.00011>
24. Kraft, M. E., & Furlong, S. R. (2017). Public Policy: Politics, Analysis, and Alternatives. SAGE Publications. <https://books.Google.com/books?id=UvEivgAACAAJ>
25. Moran, M., Rein, M., & Goodin, R. E. (2006). The Oxford Handbook of Public Policy. Oxford University Press. <https://books.Google.com/books?id=83Q6vtNqmusC>
26. Painter, M., & Pierre, J. (2005). Challenges to state policy capacity : global trends and comparative perspectives. Palgrave Macmillan New York.
27. Peters, B., & Fontaine, G. (2022). Research Handbook of Policy Design. <https://doi.org/10.4337/9781839106606>
28. Peters, B. G. (2018). Policy Problems and Policy Design. Edward Elgar Publishing Limited. <https://books.Google.com/books?id=eodlDwAAQBAJ>
29. Peters, B. G. (2021). Advanced Introduction to Public Policy. Edward Elgar Publishing. https://books.Google.com/books?id=Q_n2zQEACAAJ
30. Peters, B. G., & Rava, N. (2017). Policy Design: From technocracy to complexity, and beyond. International public policy conference,
31. Sabatier, P. A. (2007). Theories of the Policy Process. Routledge. <https://doi.org/https://doi.org/10.4324/9780367274689>
32. Schneider, A., & Ingram, H. (1997). Policy Design For Democracy.
33. Siddiki, S. (2020). Understanding and Analyzing Public Policy Design. <https://doi.org/10.1017/9781108666985>
34. Smith, K. B., & Larimer, C. W. (2018). The public policy theory primer (B. attarzadeh, Trans.). Scientific and cultural publications.
35. Snyder, H. (2019). Literature review as a research methodology: An overview and guidelines. Journal of business research, 104, 333-339.
36. Thomas, H., & Bunn, D. (1978). Formal methods in policy formulation.
37. Zittoun, P., & Peters, B. (2016). contemporary approaches on public policy: theories, Controversies, Perspectives. <https://doi.org/10.1057/978-1-137-50494-4>